

## انتخابات، خاتمی و توسعه یافتگی

منبع: سایت زیتون، روز چهارشنبه، مورخ: ۹۴/۱۲/۱۲

من هم نظیر کثیری از هموطنان عزیز از انتشار اخبار رسمی انتخابات مجلس شورا و خبرگان توسط وزارت کشور، حقیقتاً خرسند و دلشادم و افق را روشن می بینم. رای قاطع شهروندان به فهرست اصلاح طلبان در شهر تهران و برخی از شهرهای بزرگ خیره کننده بود. در تهران، محمد رضا عارف و علی مطهری در صدر قرار گرفتند و تمام فهرست سی نفره اصلاح طلبان، موسوم به «امید» به مجلس راه یافتند و حتی یک نماینده از فهرست اصول گرایان انتخاب نشد. در فهرست مجلس خبرگان تهران نیز، هاشمی رفسنجانی با بیش از ۲ میلیون رای در صدر قرار گرفت، احمد جنتی آخر شد و در رده شانزدهم، محمد تقی مصباح یزدی، روحانی تندروی شناخته شده و محمد یزدی، رئیس کنونی مجلس خبرگان به مجلس راه نیافتند.

در این نوشته می کوشم به اختصار، پدیده انتخابات هفتم اسفند را به روایت خویش تحلیل کنم.

۱. اصول گرایان در شهرهای بزرگی چون تهران و شیراز و اصفهان، شهرهایی که توسعه یافته اند و «طبقه متوسط شهری» در آنها دست بالا را دارد، پایگاهی ندارند. مراد از «توسعه یافتگی»، ملاک و محک های عینی ای است که شهرهای توسعه یافته را از شهرهای توسعه نیافته تفکیک میکند. شاخص هایی از قبیل: تحصیلات دانشگاهی و مهارت های تخصصی که مطابق با آن، شهروندان شغل خود را اختیار می کنند. در شهرهای توسعه یافته، عموم شهروندان در برآوردن نیازهای اولیه معیشتی خویش علی الاصول مشکل جدی ندارند، از اینرو می توانند در حد متعارف به نیازهای ثانویه از قبیل علم و فرهنگ و هنر بپردازند. در شهرهای توسعه یافته، زنان بسیاری در عرصه عمومی حضور جدی دارند و از استقلال مالی برخوردارند؛ نهادهای فرهنگی و هنری و آکادمیک نظیر دانشگاه ها، سالن های سینما و تئاتر، کافه کتاب، کتابخانه های عمومی... رونق دارند. در شهرهای توسعه یافته تنوع و تکثر سبک های زندگی در میان شهروندان دیده میشود؛ همچنین آگاهی نسبت به حقوق شهروندی نظیر حق مشارکت سیاسی در آنها برجسته تر است.

نیک میدانم که میزان توسعه یافتگی شهرهایی مانند پاریس و لندن و تورنتو و توسع کشورهای جهان اول، با کشورهای جهان سومی نظیر ایران، فاصله بسیار دارد. در عین حال، اولاً میزان توسعه یافتگی ایران در قیاس با دیگر کشورهای همسایه در مجموع بیشتر است. ثانیاً، می توان با مد نظر قرار دادن شاخص های فوق، شهرهای مختلف ایران را از حیث توسعه یافتگی با یکدیگر مقایسه کرد.

رای بالای میر حسین موسوی در انتخابات سال ۸۸ در تهران، همچنین رای معنادار حسن روحانی در سال ۹۲ در شهرهای بزرگ، مؤید نسبت میان توسعه یافتگی و تعداد آراء کاندیداهایی است که دلی در گرو توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و توسعه فرهنگی دارند. از اینرو، نامزدهایی چون موسوی، روحانی و فهرست «امید» در سه انتخابات اخیر، بیشترین آراء خود را از شهرهای بزرگ توسعه یافته بدست آوردند. اگر این تحلیل درست باشد، می توان چنین انگاشت که اصول گرایان و محافظه کاران، اگر بر آن اند تا در انتخابات آتی رای بیاورند، یا باید خانه تکانی اساسی کنند و اقتضانات توسعه یافتگی و زندگی شهری و خواسته های طبقه متوسط شهری را ببینند و دریابند و بپذیرند و متناسب با آن نگرش سیاسی خود را سامان ببخشند. و یا اینکه قید رای آوردن در شهرهای بزرگ را بزنند؛ چرا که تا اطلاع ثانوی در بر روی همین پاشنه می چرخد و هر چه پیشتر می رویم، بر تعداد شهروندانی که در شهرهای بزرگ کشور زندگی می کنند و با توسعه و مدرنیزاسیون بر سر مهند (خصوصاً در میان جوانان) بیشتر می شود. از سوی دیگر، اصلاح طلبان و اعتدالیون که در انتخابات اخیر دست بالا را داشته اند، جهت بسط و نهادینه کردن مشی کنونی سیاسی خود، مشی که با آن کاملاً

همدلم و آنرا رهگشای دانم، باید به تحقق ساز و کارهایی بیندیشند که به مدد آنها، توسعه یافتگی در کشور نظام مند و فراگیر و نهادینه شود و در آینده نه چندان دور، شهرهای توسعه یافته بیشتری در کشور پدید آید.

۲. در انتخابات اخیر، نقش بی بدیل سید محمد خاتمی در سپهر سیاست ایران آشکارتر شد. خاتمی از سرمایه اجتماعی و محبوبیت کم نظیری برخوردار است؛ هم در انتخابات سال ۹۲ نقش خود را به نیکی ایفا کرد، هم در انتخابات سال ۹۴. ریاست جمهوری اسبق، سال ۹۲ روحانی را رئیس جمهور کرد؛ سال ۹۴، با پیام تصویری خود، پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات مجلس شورا و مجلس خبرگان تهران را رقم زد. به رغم ممنوع تصویر بودن و تضيیقات و محدودیت های عدیده موجود، این سیاست مدار ۷۱ ساله، همچنان در فضای سیاسی ایران، به نحو جدی نقش آفرینی می کند. نقش آفرینی خاتمی، پس از اتمام دوران ریاست جمهوری اش، اگر افزایش نیافته باشد کمتر نشده است. در دهه های اخیر، از مرحوم مهدی بازرگان و میرحسین موسوی و مهدی کروبی (در ۷-۶ سال اخیر) که بگذریم، ایرانیان، سیاستمداری تا این میزان محبوب و پر نفوذ و سلیم النفس به خود ندیده اند. خاتمی به درستی، انتخابات اخیر را « گام دوم» خواند، پس از گام نخست که در خرداد سال ۹۲ برداشته شد و حسن روحانی بر مسند ریاست جمهوری تکیه زد. برگرفتن سیاست « گام به گام» در فضای سیاسی کنونی، با مختصات فرهنگی - تاریخی - اقلیمی ایران زمین و شرایط منطقه ای که در آن بسر می بریم، رهگشاترین و کارآمدترین روش است.

چنانکه در می یابم، هر چند موانع بسیار است و تا نهادینه شدن فرهنگ دموکراتیک در میان ما راه بلندی در پیش است؛ در عین حال راه دشوار و بلند تحقق ساز و کار دموکراتیک جز از طریق برگرفتن سیاست گام به گام هموار نمی شود و پیش نمی رود. مشارکت در انتخاباتی که ایده آل نیست و در آن همگان از حق « انتخاب شدن» برخوردار نیستند، در قیاس با وضعیتی که همین نهاد مسما به انتخابات نیز به کلی از میان رخت بریندد، قطعا بهتر است و واجد دستاوردهای چندی. خاتمی این مهم را با گوشت و پوست و خون خود دریافته؛ از اینرو، با ملاحظه جمیع جوانب، شهروندان را به سیاست گام به گام خویش دعوت کرده، سیاستی که در آن قهر کردن با صندوق های رای محلی از اعراب ندارد و راهی به جایی نمی گشاید.

هر چند وضعیت کنونی با آرمانها و ایده آل های سیاسی کثیری از شهروندان ایرانی فاصله بسیار دارد؛ در عین حال گریز و گزیری از واقع بین بودن و ممکنات و مقدورات را دیدن و بر این اساس نقشه راه را ترسیم کردن و مطابق با آن آهسته و پیوسته رفتن و صبوری پیشه کردن و امید را فرو نهادن نیست؛ که:

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند

بر اثر صبر نوبت ظفر آید